

سانسکریت زبان مرده؟

لائورا آواکیان

ترجمه ادیک باغدادساریان

نام- واژه این زبان، مرموز و جذاب است. گویا داستانی افسانه ای باشد که قهرمانان آن در گذشته دور می زیستند، در دامنه های هیمالایا و پشت کوه های هندوکش، در پهنه دشت گانگس. در یک شبه جزیره نه چندان کوچکتر از اروپا که سواحل آن با آبهای نیلگون رخ می شویند.

آری، سانسکریت یک دوره کامل از تاریخ تمدن بشری بویژه در زبان شناسی است. ادبیات غنی به این زبان بجای مانده است لیکن متاسفانه کاملاً مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است. آثار این ادبیات به دوره های باستان و میانی تعلق دارد از جمله منظومه های «رامایانا» و «ماهاباراتا». ادبیات منظوم شگفت انگیزی از این زبان باقی است. همچنین آثار منثور بسیار لطیف و اخلاقی، نمایشنامه هایی که روح افزا هستند، فلسفه، علم اخلاق، منطق و جز آن.

در واقع زبانشناسی باید به دیده منت به زبان سانسکریت بنگرد. هنگامی که سانسکریت در سده ۱۸ مورد شناسایی علوم اروپایی قرار گرفت بحث جدیدی در زبانشناسی تطبیقی پدید آورد. این روش در نیمه دوم همان سده رایج شد یعنی زمانی که موسسه فرهنگی شرقی در کلکته بنیان نهاده شد. در این سالها، ویلیام جونز پژوهشگر انگلیسی با مطالعه این زبان کلاسیک و ادبیات کتبی به جا مانده از این زبان چنین نوشت: «سانسکریت هر قدر هم که کهنه و باستانی باشد ساختاری به مراتب کامل تر و اعجاب انگیزتر دارد تا زبان یونانی، از اندوخته واژگان غنی تر برخوردار است تا زبان لاتین و زیباتر از هر یک از آنهاست لیکن همانندی و هم ریشگی آن با هر دو آن زبانها از نظر ریشه افعال و نکات دستوری چنان عمیق است که این امر را نمی توان به هیچ وجه تصادفی و اتفاقی تلقی نمود. این ریشه مشترک آنها چنان مشخص و نمایان است که هیچیک از پژوهشگران که تا امروز با این زبان سر و کار داشته است نمی تواند ریشه و منشاء مشترک آنها را انکار نماید.

بنابه نظرگاه امروزی، سانسکریت (این واژه به معنی «پرورده» و «تکامل یافته») زبان غیر مستعمل و مرده بشمار می رود که تنها ادبیات غنی و باستانی هندی توسط آن به جای مانده است. لیکن این نقطه نظر چندان هم با شرایط امروزی هندوستان صدق نمی کند و در اینجا بسیاری مسایل مطرح می شوند. سانسکریت چه نقش و مکانی در زندگی امروزی جامعه هند داراست.

در نگاه اول چنین به نظر می رسد که پاسخ به این پرسشها چندان هم آسان نیست. این بحث را می توان از اینجا آغاز نمود که با تصویب اولین قانون اساسی (۱۹۴۹-۱۹۴۶) درخواست می شد تا سانسکریت بعنوان زبان رسمی هند شناخته شود. لیکن، سرانجام اولویت به زبان هندی داده شد زیرا زبان رایج مردم بود. با این حال زبان سانسکریت به فراموشی سپرده نشد و جزو ۱۵ زبان اصلی قرار گرفت. و این امر نیز تصادفی نبود. علت این است که سانسکریت برای هر یک از زبان های هندی یک گنجینه بوده و از آنجا واژه های جدید گزیده می شود. لیکن نقش سانسکریت در جامعه امروزی هند بدینجا محدود نمی شود. تا امروز این زبان توسط برخی گروهها مورد استفاده قرار می گیرد و ۲۵۰۰ نفر آن را زبان مادری محسوب می کنند، البته برای حدود یک میلیارد جمعیت این یک رقم ناچیز به حساب می

آید. لیکن چند صد هزار نفر آن را بعنوان زبان دوم پذیرفته اند و این طبیعی است زیرا سانسکریت نه تنها در موسسات آموزش عالی که در برخی مدارس نیز تدریس می شود.

شش دانشگاه زبان سانسکریت در هند فعالیت می کنند، بیش از پانصد موسسه به بررسی و پژوهش و گسترش این زبان مشغولند. برای نمونه دانشگاه زبان سانسکریت الله آباد به پژوهش و جستجو در باره استاد خطی قدیمی سانسکریت می پردازد. هم اکنون بیش از پنجاه هزار نسخه خطی وجود دارد که قبلا در مجموعه های خصوصی نگهداری می شدند.

زبان سانسکریت گسترش فراوانی در رسانه های خبری و گروهی یافته است. تعدادی مجله و نشریه به این زبان منتشر می شود لیکن باید توجه داشت که بخش اعظم نشریات در هند به زبان های انگلیسی و هندی انتشار می یابد.

غیر از آن، تقریباً همه رادیوها برنامه هایی به این زبان پخش می کنند. این زبان کلاسیک بطور گسترده در عرصه های علوم و ادبیات و زبانشناسی بکار می رود. بنابراین جای شگفتی نیست که سانسکریت چه در زمان قدیم و چه حال حاضر بخشی از انتشارات امروزی هند بحساب می آید. دولت هند توجه خاصی به زبان سانسکریت و پژوهشهای مربوطه دارد. افرادی که از این زبان در کارهای خود استفاده می کنند مشمول این توجه دولتی هستند.

بدین سان، هر سال جوایزی از سوی آکادمی زبان سانسکریت به خالقان آثاری بدین زبان داده می شود.

تعداد زیادی از شاهکارهای ادبیات جهانی به این زبان ترجمه می شود. آثار و مرثیه های شکسپیر به تمام زبان های هندوستان ترجمه شده است.

در زمستان سال ۱۹۸۵ موهان گوتیا «مکیت» شکسپیر را به سانسکریت ترجمه کرد.

سرانجام، هر قدر هم که شگفت انگیز باشد، زبان سانسکریت کاربرد فراوانی در صنعت سینمایی پیدا کرد. شایان ذکر است که سینمای امروز هند حالت چند ملیتی و چند زبانی دارد. فیلم ها تقریباً به ۲۰ زبان تهیه می شوند. نقش اساسی را زبان هندی و کلیه زبانهایی که در قانون اساسی قید شده اند بخود اختصاص می دهند. زبان سانسکریت و کشمیری استثنا بودند. لیکن جای تعجب نیست که در ژوئن سال ۱۹۸۳ مطبوعات هندوستان نوشتند که تاریخ اولین اثر هندی به زبان سانسکریت به نمایش در می آید. این فیلم در چندین شهر به نمایش در آمد و به دریافت جایزه عالی سینمایی نایل آمد.

بهار سال ۱۹۸۶ در استان تامیلنادر مصاحبهای در باره نقش سانسکریت در زندگی امروز هندوستان صورت گرفت. در طول مصاحبه اهمیت تدریس و پژوهش این زبان، نقش آن در وحدت ملی هندیان مورد تاکید قرار گرفت. «روز ویژه سانسکریت» در پاییز ۱۹۸۷ در همین ارتباط برگزار شد. در اینجا نیز اهمیت زبان سانسکریت در رونق فرهنگی نه تنها در هند بلکه در ادبیات کشورهای آسیایی و اروپایی مورد تاکید قرار گرفت.

در اینجا این پرسش مطرح می شود که آیا می توان این زبان کلاسیک و رمانتیک و معمایی را «زبان مرده» تلقی نمود؟